

## رجعت در قرآن

خلیل منتظر قائم

شیعه به آن معتقد است و رجعتی که در این آیات به آن اشاره شده است، تفاوت‌های زیادی وجود دارد که در بررسی روایات مربوط به رجعت به آنها اشاره خواهیم کرد. به بیان دیگر، آیاتی که بازگشت افرادی از امت‌های گذشته را به دنیا اثبات می‌کنند، گویای آن است که رجعت محال نیست و به صورت کم‌رنگ، در امت‌های پیشین وجود داشته است و بنابراین، معتقدان به رجعت، سخن عجیب و غریبی نگفته‌اند.

تعدادی از این آیات به شرح زیر است:

۱. زنده‌شدن گروهی از بنی‌اسرائیل: قرآن کریم، ماجرای مرگ و زنده شدن گروهی از امت موسی (ع) را چنین بیان می‌کند:

و إذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى تری  
الله جهرة فأخذتكم الصاعقة و أنتم تنظرون ثم  
بعثناكم من بعد موتكم لعلکم تشکرون.<sup>۲</sup>

دلایل قرآنی رجعت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست، آیاتی که بر وقوع رجعت (به معنای بازگشت مردگان به دنیا) در امت‌های پیشین دلالت می‌کنند. از این قبیل آیات می‌توان دریافت که بازگشت مردگان به دنیا، امری است ممکن و قابل قبول که با سنت‌های الهی مخالفت ندارد. دوم، آیاتی که بر وقوع رجعت (به معنای خاص آن) در آخرالزمان دلالت می‌کنند.

در اینجا برای روشن شدن موضوع به نمونه‌هایی از هر یک از این دو دسته اشاره می‌کنیم:

**الف) آیاتی که امکان رجعت را اثبات می‌کنند**

آیات فراوانی از قرآن به نقل مواردی از زنده شدن مردگان در امت‌های پیشین می‌پردازد. هدف از آوردن این آیات، چیزی جز اثبات امکان بازگشت به جهان مادی و وقوع آن در امت‌های گذشته نیست. البته میان رجعت به مفهومی که

آن [گاو سر بریده را] به آن [مقتول] بزیند [تا زنده شود] این گونه خدا مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نمایاند؛ باشد که ببینیدش. شیخ صدوق، روایتی را از امام رضا (ع) ذیل این آیه نقل کرده است که به روشنی نشان می دهد مراد از این آیه، زنده شدن کشته بنی اسرائیل است:



گاو سر بریده

یک نفر از بنی اسرائیل، یکی از خویشانش را کشت و جسدش را بر سر راه محترم ترین قبیله بنی اسرائیل انداخت. پس آمد خون بهای وی را مطالبه کرد و به حضرت موسی گفت: فلان قبیله، فلان کس را کشته اند. قاتل او کیست؟ موسی دستور داد گاوی بیاورید، گفتند: ما را مسخره کرده ای؟ گفت: به خدا پناه می برم که از جاهلان باشم. اگر بدون ایراد و گفت و گو گاوی آورده بودند، کفایت می کرد، ولی سخت گیری کردند و خدا هم بر آنان سخت گرفت... سرانجام گاو را خریدند و آوردند. موسی دستور داد سرش را برینند و دمش را به کشته زدند، فوراً زنده شد و گفت: ای پیغمبر خدا! پسر عموم مرا کشت، نه آنان که متهمشان کرده اند.<sup>۷</sup>

در میان مفسران بزرگ شیعه و سنی درباره مفهوم این آیات، هیچ اختلاف نظر اساسی وجود ندارد و همه آنها گفته اند پس از آنکه قسمتی از بدن گاو را به بدن مقتول زدند، او زنده شد، قاتل خود را نام برد و دوباره از دنیا رفت.<sup>۸</sup> تنها موضوع محل اختلاف در این آیات، منظور از کلمه «بعض» است و دقیقاً معلوم نیست که کدام عضو گاو را با چه بخشی از بدن مقتول تماس دادند.

گفتنی است مفسری که پیش از این از او یاد شد، در مورد این آیه هم، تفسیری شگفت انگیز ارائه داده و ادعایی کرده است که با هیچ یک از موازین تفسیر انطباق ندارد.<sup>۹</sup>

**۳. زنده شدن دوباره هزاران نفر:** قرآن کریم حکایت قومی را نقل می کند که از ترس مرگ، خانه های خود را ترک کردند، ولی مرگ به سراغشان آمد و همه آنها از دنیا رفتند. سپس به اذن خدا بار دیگر زنده شدند تا نشانه ای بر قدرت پروردگار باشند:

ألم تر إلی الذین خرجوا من دیارهم و هم ألوّف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم أحياهم إن

و چون گفتید: ای موسی، تا خدا را آشکارا نبینیم، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، پس در حالی که می نگرستید، صاعقه شما را فرو گرفت. سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم؛ باشد که شکرگزاری کنید.

امام رضا (ع) ذیل آیه یادشده می فرماید:

چون خداوند با موسی سخن گفت، موسی به سوی قوم خود رفت و واقعه را خبر داد. آنها گفتند: ما هرگز ایمان نمی آوریم تا سخن خدا را بشنویم. حضرت موسی (ع) از آن جمعیت هفت صد هزار نفری، هفتاد هزار نفر و از آنان، هفت هزار و از آنان، هفتصد و از آنان، هفتاد نفر انتخاب کرد و با خود به کوه طور برد. چون آنها کلام خدا را شنیدند، گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم. پس خداوند صاعقه ای فرستاد و در اثر ظلمشان از صاعقه مردند. موسی عرض کرد: خداوند! اگر قوم، مرا متهم کند که تو چون به دروغ دعوی پیامبری می کنی، اینان را بردی و کشتی، جواب آنان را چه بگویم؟ پس خداوند دوباره ایشان را زنده کرد و همراه او فرستاد.<sup>۳</sup>

بررسی کتاب های تفسیر گویای آن است که همه نویسندگان تفاسیر هم گام با مفسران نخستین قرآن مانند قتاده، اکرمه، سدی، مجاهد و ابن عباس بر این نظر اتفاق دارند که هفتاد تن از افراد قوم بنی اسرائیل بر اثر صاعقه ای آسمانی جان خود را از دست دادند و خدا بر ایشان مرحمت فرمود و برای دومین بار آنان را به دنیا باز گرداند.<sup>۴</sup>

در این میان، تنها یکی از مفسران معاصر را می بینیم که در کتاب تفسیر خود به توجیه آیه پرداخته و برخلاف نظر همه مفسران بزرگ شیعه و سنی گفته است: «مراد از برانگیختن در این آیه، گسترش نسل کسانی است که در اثر صاعقه مردند؛ زیرا گمان می رفت به سبب این مرگ، نسل ایشان نیز منقطع گردد».<sup>۵</sup>

روشن است که این سخن نوعی تفسیر به رأی بیش نیست و هیچ مؤیدی از قرآن و روایات ندارد. افزون بر اینکه هیچ آشنا به زبان عربی «برانگیخته شدن پس از مرگ» را این گونه معنا نکرده است.

**۲. زنده شدن کشته بنی اسرائیل:** داستان زنده شدن کشته بنی اسرائیل، یکی دیگر از مصداق های رجعت در امت های پیشین است. خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید:

و إذ قتلتم نفساً فادّار آتم فیها و الله مخرج ما

کنتم تکتمون قتلنا اضربوه ببعضها كذلك یحی

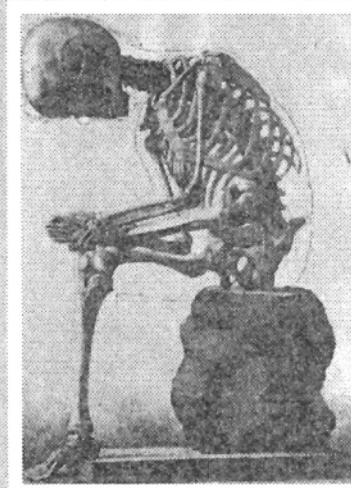
الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون.<sup>۶</sup>

و چون شخصی را کشتید و درباره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا آنچه را کتمان می کردید، آشکار گردانید. پس فرمودیم: «پاره ای از

الله لذو فضل علی الناس و لکن اکثر الناس لا  
یشکرون.<sup>۱۰</sup>

آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: «تن به مرگ بسپارید.» آن‌گاه آنان را زنده ساخت. آری، خداوند نسبت به مردم، صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

از امام صادق (ع) ذیل این آیه چنین روایت شده است:



خداوند قومی را که تعدادی بی‌شمار بودند<sup>۱۱</sup> و برای فرار از طاعون از شهر و دیار خود خارج شده بودند برای مدت زمانی طولانی گرفتار مرگ ساخت تا آنجا که استخوان‌های آنها پوسید، بند بند آنها از هم جدا شد و به طور کلی تبدیل به خاک شدند. آن‌گاه خداوند در زمانی که می‌خواست آفریدگانش را زنده ببیند، پیامبری به نام حزقیل را برانگیخت. این پیامبر آن قوم را فرا خواند، پس بدن‌های [متلاشی شده] آنها جمع شد، جان‌ها به بدن‌ها بازگشت و به همان هیتی که از دنیا رفته بود به پا خاستند بی‌آنکه حتی یک نفر از میان آن جمع کم شده باشد و پس از آن مدتی طولانی زندگی کردند.<sup>۱۲</sup>

همه مفسران شیعه و سنی نیز با اندک اختلافی همین مطلب را در ذیل آیه یادشده ذکر کرده‌اند.<sup>۱۳</sup>

در برخی دیگر از آیات قرآن نیز به مواردی از زنده شدن مردگان و بازگشت آنها به دنیا اشاره شده است که زنده شدن عزیز، صد سال پس از مرگ<sup>۱۴</sup> و زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی (ع)<sup>۱۵</sup> از آن جمله است.

ب) آیاتی که بر وقوع رجعت در آخرالزمان دلالت می‌کنند

پیشوایان معصوم دین (ع) آیات فراوانی از قرآن کریم را به وقوع رجعت در آخرالزمان تفسیر و تأویل کرده‌اند که در اینجا

به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:  
۱. معروف‌ترین آیه‌ای که به آن بر وقوع رجعت استدلال شده، آیه زیر است:

و یوم نحشر من کلّ أمة فوجاً ممن یکتذب  
بایاتنا فهم یوزعون.<sup>۱۶</sup>

و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند، محشور می‌گردانیم، پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم بی‌یونند.

از امام صادق (ع) ذیل آیه یادشده چنین روایت شده است: از امام ابو عبدالله [جعفر بن محمد صادق] (ع) درباره این سخن خدا: «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می‌گردانیم» پرسیده شد. آن حضرت فرمود: «مردم درباره آن چه می‌گویند؟» گفتم: «می‌گویند این آیه درباره قیامت است» سپس ابو عبدالله (ع) فرمود: «آیا خدای تعالی در روز قیامت، از هر امتی گروهی را محشور و بقیه آنها را رها می‌کند؟ [این گونه نیست] این آیه قطعاً درباره رجعت است. اما آیه قیامت این آیه است: «و آنان را گرد می‌آوریم و هیچ یک را فروگذار نمی‌کنیم».<sup>۱۷ و ۱۸</sup>

بیشتر مفسران شیعه نیز به هنگام بحث از این آیه، با همین استدلال، آن را به رجعت و بازگشت به دنیا پیش از قیامت مربوط دانسته‌اند. علامه طبرسی در این زمینه می‌نویسد:

کسانی از امامیه که به رجعت عقیده دارند، با این آیه بر درستی اعتقاد خود استدلال کرده و گفته‌اند: آمدن «من» در سخن، موجب تبیض است و بر این دلالت دارد که در روز مورد نظر در آیه، برخی از اقوام گردآورده می‌شوند و برخی دیگر گردآورده نمی‌شوند و این صفت روز رستاخیز نیست؛ زیرا خداوند سبحان درباره آن فرموده است: «و آنان را گرد می‌آوریم و هیچ یک را فروگذار نمی‌کنیم».<sup>۱۹</sup>

گفتنی است مفسران اهل سنت با این برداشت از این آیه مخالفت کرده و آن را مربوط به قیامت دانسته‌اند.<sup>۲۰</sup>

۲. یکی دیگر از آیاتی که در روایات و برخی تفاسیر شیعه بر وقوع رجعت تفسیر شده، آیه شریفه زیر است:

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحمیتنا اثنتین فاعترفنا  
بدنوبنا فهل إلی خروج من سبیل.<sup>۲۱</sup>

می‌گویند: پروردگارا، دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی به گناهانمان اعتراف کردیم، پس آیا راه بیرون شدنی [از آتش] هست؟

در تفسیر البرهان ذیل آیه یاد شده، از امام محمدباقر (ع) چنین روایت شده است:

این مربوط به اقوامی است که بعد از مرگ رجعت می‌کنند.<sup>۲۲</sup>

در تفسیر قمی نیز ذیل این آیه از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «ذلک فی الرجعة؛ این در رجعت است».<sup>۲۳</sup>

علامه مجلسی پس از نقل این روایت در توضیح آن

تکلیفی نیست تا انسان به خاطر چیزهایی که در این حال از دست او رفته است، پشیمان شود. و اینکه [قرآن می‌فرماید] آن مردم به خاطر آنچه در دو زندگی از دستشان رفته است، پشیمان می‌شوند، دلالت بر این دارد که مراد زنده شدن [در قبر] برای پاسخ‌گویی نبوده است. بلکه مراد زندگی در [عصر] رجعت بوده است که همراه با تکلیف می‌باشد<sup>۲۹</sup> و فرصت دوباره‌ای برای اظهار پشیمانی آن مردم از تندرستی‌هایی که [در زندگی نخست] مرتکب شده بودند، به شمار می‌آید و چون آنها [در این زندگی دوباره] هم پشیمان نمی‌شوند و برای جبران گذشته کاری انجام نمی‌دهند در روز قیامت برای آنچه از دستشان رفته است، پشیمان می‌شوند.<sup>۳۰</sup>

علامه طباطبایی (ره) نیز از منظری دیگری به رد قول یادشده پرداخته است.<sup>۳۱</sup>

۳. اولین میراندن در پایان زندگی دنیوی و اولین زنده کردن در عالم برزخ صورت می‌گیرد. دومین میراندن در پایان دوران برزخ و زنده کردن دوم در آستانه رستاخیز واقع می‌شود.<sup>۳۲</sup>

در توضیح این قول باید گفت انسان‌ها پس از مردن، حیات دیگری را آغاز می‌کنند که از آن به حیات برزخی تعبیر می‌شود. در این شکل از حیات که تا روز قیامت استمرار پیدا می‌کند، انسان‌ها در قالب‌های مثالی که با قالب مادی زندگی متفاوت است،<sup>۳۳</sup> در عالم برزخ

زندگی می‌کنند و بسته به اعمالی که داشته‌اند، در آن عالم در رنج و عذاب یا در نعمت و آسایش خواهند بود.<sup>۳۴</sup>

اقوال دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که به جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.<sup>۳۵</sup>

با وجود اقوال مختلفی که ذیل آیه یادشده مطرح شده است، براساس روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده‌اند، این احتمال که آیه به رجعت گروهی انسان‌ها اشاره داشته باشد، قوت می‌گیرد.

گفتنی است افزون بر آیات یادشده، آیات دیگری بر وقوع رجعت تفسیر یا تأویل شده‌اند که در این مجال، امکان ذکر همه آنها وجود ندارد.<sup>۳۶</sup>

پی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود است.

می‌نویسد:

یعنی یکی از دو زنده‌شدن در رجعت و دیگری در قیامت است و یکی از دو میراندن در دنیا و دیگری در رجعت است. برخی از مفسران این دو بار زنده‌شدن و مردن را به زنده‌شدن در قبر برای سؤال و میراندن در قبر [پس از آن] تفسیر کرده‌اند. برخی دیگر میراندن نخست را بر آفریدن انسان‌ها به صورت مرده در حال نطفه بودن تفسیر کرده‌اند.<sup>۲۴</sup>

مفسران شیعه و سنی در تفسیر آیه یادشده و اینکه مراد از «دو بار میراندن» و «دو بار زنده کردن» در این آیه چیست. سخن‌های مختلفی گفته‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. نخستین میراندن، به حالت نطفه یا جنین انسان پیش از دمیده شدن روح در آن و نخستین زنده کردن به همین حالت انسان پس از دمیده شدن روح در آن اشاره دارد. دومین میراندن به مرگی که در این دنیا و در پایان عمر به سراغ انسان می‌آید و دومین زنده کردن به زنده ساختن انسان‌ها به هنگام برپایی قیامت، مربوط است.<sup>۲۵</sup>

شیخ مفید (ره) پس از نقل این دیدگاه که آن را به اهل سنت نسبت می‌دهد، بر اطلاق «میراندن» بر حالت نطفه یا جنین انسان پیش از دمیده شدن روح اشکال می‌گیرد و می‌نویسد:

این تأویل، باطل است و چنین سخنی بر زبان عرب‌ها جاری نمی‌شود؛ زیرا تنها زمانی می‌توان گفت فعلی بر چیزی واقع شد که آن چیز پیش از وقوع فعل در بردارنده همان صفتی که فعل بر آن دلالت می‌کند، نباشد. از همین رو، در مورد چیزی که خداوند آن را بی‌جان (مرده) آفریده است، نمی‌گویند خداوند آن را میراند و این سخن تنها در مورد چیزی گفته می‌شود که مرگ پس از زندگی بر آن عارض شده باشد. چنان‌که تنها در زمانی گفته می‌شود خداوند مرده‌ای را زنده کرد که واقعاً قبل از زنده کردن، مرده باشد.<sup>۲۶</sup>

برخی از مفسران شیعه نیز در رد قول نخست سخنانی مشابه به شیخ مفید گفته‌اند.<sup>۲۷</sup>

۲. نخستین میراندن در دنیا و در پایان عمر انسان و نخستین زنده کردن هم در دنیا و در آغاز تولد انسان رخ می‌دهد. دومین میراندن در قبر و پس از پرسش و پاسخ و دومین زنده کردن هم در قبر و برای پرسش از مردگان واقع می‌شود.<sup>۲۸</sup>

بر اساس این دیدگاه، خداوند ابتدا مردگان را در قبر زنده می‌سازد تا پاسخ‌گوی اعمال خود باشند و پس از آن دوباره آنها را می‌میراند.

در این دیدگاه، زنده کردن انسان‌ها به هنگام برپایی رستاخیز نادیده گرفته شده است.

عالمات و مفسران شیعه به این قول نیز اشکال گرفته و آن را رد کرده‌اند. شیخ مفید در رد این قول می‌نویسد:

این تأویل نیز از جنبه‌ای دیگر باطل است؛ زیرا زنده شدن [در قبر] برای پاسخ‌گویی همراه با هیچ

